



The Difference between Reference and Causation in Islamic Penal Code 1370 and 1392

Sam Akrami¹, Ahmad Haji Dehabadi^{2*}, Vahid Nekoonam³

1. PhD Student of Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Farabi School, University of Tehran, Qom, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 459-476

Article history:

Received: 23 May 2023

Edition: 20 Jul 2023

Accepted: 11 Sep 2023

Published online: 3 Oct 2023

Keywords:

Citation, Causation, Longitudinal Means, Transverse Means, Islamic Penal Code.

Corresponding Author:

Ahmad Haji Dehabadi

Address:

Iran, Qom, Farabi School, University of Tehran, Department of Criminal Law and Criminology.

Orchid Code:

Tel:

025 336166100

Email:

adehabadi@ut.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: The discussion of citation and causation is one of the important issues in criminal law, which has always been a debate and disagreement. The purpose of this article is to investigate the difference between the relationship between citation and causation in the Islamic Penal Code of 1370 and 1392.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative and data collection has been used.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

Findings: In the Islamic Penal Code approved in 2012, if the crime is documented to be the cause and responsibility of the community and the degree of influence of the factors is equal, there is equality in responsibility, and if the degree of influence is different, each of the factors will be responsible according to the degree of the influence of their behavior. In multiple longitudinal causes, the primary cause is the effect of the guarantor, and in multiple transverse causes, equality prevails in the guarantee.

Conclusion: The change of approach of Islamic Penal Code 2013 is based on the theory of relative guarantee. The fundamental change made in this law compared to the Islamic Penal Code approved in 1370 is in the part of community, cause and effect. In this case, the legislator has placed the foundation on customary reference and relative guarantee, based on this rule, the person responsible for the crime and the amount of responsibility is determined.

Cite this article as:

Akrami S, Haji Dehabadi A, Nekoonam V. *The Difference between Reference and Causation in Islamic Penal Code 1370 and 1392*. *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.



دوره پنجم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۲

تفاوت رابطه استناد و سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲

سام اکرمی^۱، احمد حاجی ده‌آبادی^{۲*}، وحید نکونام

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

۳. استادیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه حضرت معصومه، قم، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۵۹-۴۷۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۱۱

واژگان کلیدی:

استناد، سببیت، اسباب طولی، اسباب عرضی، اسباب متعدد.

نویسنده مسئول:

احمد حاجی ده‌آبادی

آدرس پستی:

ایران، قم، دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی.

کد ارکید:

تلفن:

۰۲۵۳۶۱۶۶۱۰۰

پست الکترونیک:

adehabadi@ut.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: بحث استناد و سببیت از موضوعات مهم در حقوق کیفری است که همواره بحث و اختلاف نظر بوده است. هدف مقاله حاضر بررسی تفاوت رابطه استناد و سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در صورتی که جنایت مستند به اجتماع سبب و مباشر باشد و میزان تأثیر عوامل مساوی باشد، تساوی در مسئولیت برقرار است و اگر میزان تأثیر متفاوت باشد، هر یک از عوامل به میزان تأثیر رفتارشان، مسئولیت خواهند داشت. در اسباب متعدد طولی سبب مقدم در تأثیر ضامن است و در اسباب متعدد عرضی تساوی در ضمان حاکم است.

نتیجه: تغییر رویکرد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مبتنی بر نظریه ضمان نسبی است. تغییر اساسی که در این قانون نسبت به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ صورت گرفته است در بخش اجتماع سبب و مباشر است. در این مورد قانون‌گذار بنا را بر استناد عرفی و ضمان نسبی قرار داده است که بر اساس این ضابطه، مسئول جنایت و میزان مسئولیت تعیین می‌شود.

۱. مقدمه

یکی از شروط تحقق مسئولیت کیفری، وجود رابطه سببیت است. این مسئولیت کیفری در قانون مجازات به دو صورت متصور است: اجتماع سبب و مباشر و سبب متعدد می‌باشد. قاعده تسبیب یکی از قواعد فقهی است که در کتاب‌های، غصب قصاص و دیات به آن پرداخته شده است. در حقوق نیز در مباحث مدنی و جزایی مورد بررسی قرار گرفته است. در قواعد فقه اصولاً بعد از قاعده اتلاف قاعده تسبیب مطرح می‌شود. در قاعده اتلاف شخص مباشرت در اتلاف نفس یا مال، دارد اما در قاعده، تسبیب مسبب به‌طور غیرمستقیم و با واسطه موجب تلف مال یا نفس می‌شود تلف نفس اگر به‌صورت غیرعمدی واقع شود موجب ضمان است. قواعد تسبیب یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال مهم‌ترین و پرکارترین قواعد حقوقی و ناظر بر تعیین مسئول در خسارت‌های مالی و جانی است. بنابراین «موضوع رابطه استناد به‌ویژه از آن جهت که حکم وضعی ضمان در حقوق جزا و حقوق مدنی متوقف بر آن است در همه نظام‌های حقوقی واجد اهمیت اساسی است ضابطه در احراز این رابطه از موضوعات معمولاً پیچیده است که طرح نظریات متغیری را در مطالعات فقهی و حقوقی موجب شده است» (یزدانیان، ۱۳۸۶).

ضرورت احراز رابطه استناد به‌عنوان بخشی از رکن مادی جنایت، بر الزام قانونی مبتنی است. به‌موجب ماده ۴۹۲ ق.م.ا: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به‌نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن‌ها انجام شود». «احراز رابطه سببیت در مواردی که رفتاری علت تام جنایت باشد، به‌طور معمول، با مشکلی مواجه نیست؛ مانند وقوع قتل در

اثر شلیک اسلحه؛ اما مشکل آن‌گاه رخ می‌نماید که علل و اسباب گوناگونی در وقوع جنایت از دور یا نزدیک تأثیرگذار باشند. موضوع رابطه استناد، به‌ویژه از آن جهت که حکم وضعی ضمان در حقوق جزا و حقوق مدنی متوقف بر آن است، در همه نظام‌های حقوقی واجد اهمیت اساسی است. ضابطه در احراز این رابطه از موضوعات معمولاً پیچیده‌ای است که طرح نظریات متغیری را در مطالعات فقهی و حقوقی موجب شده است. «قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ از تئوری‌های مذکور در منابع فقهی، قواعد حاکم بر رابطه استناد را در مواد ۳۶۳ و ۳۶۴ بیان می‌داشت. عدم شناخت کافی از نظریه متبوع قانون مذکور و نیز فقدان تبیین دقیق مبانی منطقی آن، به‌ویژه ضعف، در توجیه برخی مصادیق، بعضی از دادرسان و نویسندگان را نسبت به‌درستی معیارهای مذکور در قانون سابق، با تردید مواجه ساخت؛ به‌نحوی که متأثر از این امر، قانون‌گذار در تدوین قانون مجازات ۱۳۹۲ در مورد رابطه استناد، به ابتکار بی‌سابقه‌ای روی آورده است. در خصوص رابطه سببیت پژوهش‌های متعددی انجام شده است: حاجی‌ده‌آبادی و فیروزمند (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای تعدد مباشر و سبب در باب احراز رابطه سببیت از منظر فقه و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را مورد بررسی قرار داده‌اند. بایبوردی و رشیدی (۱۳۹۷) نیز در مقاله‌ای دخالت عوامل متعدد در ایراد خسارت و رابطه استناد در قانون مجازات اسلامی و قانون مدنی را بررسی کرده‌اند. نادری عوج بغزی و دیگران (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای کارکرد عرف در فقه و حقوق کیفری و کاربری آن در احراز رابطه استناد را تحلیل کرده‌اند. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به

۵. بحث

در این قسمت مفاهیم پژوهش و یافته‌ها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱. سببیت و استناد

بحث سببیت از مباحث پیچیده‌ای است که گاه نظرات مختلفی در خصوص آن مطرح شده است. «سبب در لغت به معنای رسن و وسیله نیل به چیزی دیگر و در اصطلاح عبارت است از حادثه‌ای که حسب قضاوت عرف منشأ ورود خسارت به غیر است. سبب در تسبیب الزاماً موجب خسارت نیست بلکه عادتاً زمینه وقوع تلف را فراهم می‌سازد» (صالحی راد، ۱۳۷۵، ۹۰). در لغتنامه دهخدا سبب به معنی رسن و هرچه بدان به دیگری پیوسته می‌شود آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۸-۹، ۱۰۲۳)؛ نیز سبب به معنی دوستی، علت و چاره استفاده می‌شود (جر، ۱۳۸۰، ج ۲، ۱۱۶۴) معنی دیگری که برای سبب آمده است: موجب؛ جهت؛ باعث؛ عامل پدیدآورنده چیزی یا رویدادی (انوری، ۱۳۸۳، ۶۶۶)، در فرهنگ المنجد سبب به معنی وسیله طریق، واسطه، طناب، سرچشمه، موجب دوستی و محبت کسب روزی به کار رفته است (سیاح، ۱۳۷۵، ج ۱، ۶۶۵). «واژه سبب در فقه در موارد مختلف به کار رفته که از آن جمله می‌توان به موضوعات احکام و موجبات ضمان و عقود و ایقاعات اشاره کرد که در ابواب مناسب این موارد به آن‌ها اسباب گفته شده است. بررسی این گونه موارد نشان می‌دهد که کلمه سبب در اصطلاح فقهی به اموری گفته شده که شرع بین آن‌ها و اموری دیگر رابطه وجودی و عدمی برقرار

پژوهش‌های انجام شده این است که مقاله حاضر، تفاوت رابطه استناد و سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ را بررسی می‌کند. پرسش مقاله بدین شکل قابل طرح است که رویکرد قانون مجازات ۱۳۹۲ در خصوص رابطه استناد و سببیت چه تفاوتی با رویکرد قانون مجازات ۱۳۷۰ در این خصوص دارد؟ به منظور بررسی پرسش مورد اشاره ابتدا مفهوم سببیت و استناد بیان شده است؛ سپس، رویکرد قانون مجازات ۱۳۹۲ و ۱۳۷۰ در خصوص انواع حالات مختلف اجتماع سبب و مباشر مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی

است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون،

صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها: در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

در صورتی که جنایت مستند به اجتماع سبب و مباشر باشد و میزان تأثیر عوامل مساوی باشد، تساوی در مسئولیت برقرار است و اگر میزان تأثیر متفاوت باشد، هر یک از عوامل به میزان تأثیر رفتارشان، مسئولیت خواهند داشت. در اسباب متعدد طولی سبب مقدم در تأثیر ضامن است و در اسباب متعدد عرضی تساوی در ضامن حاکم است.

مالک توجه نموده‌اند، قابلیت استناد عرفی را به‌عنوان مبنای مسئولیت مباشر یا تسبیب در فرضی که اقوی از مباشر باشد، دانسته‌اند» (نجفی، ۱۳۶۷، ۵۴). «برخی حقوق‌دانان در آثار خود از همین عامل برای احراز قابلیت استناد زیان به عامل زیان استفاده نموده‌اند؛ به عقیده ایشان معیار قابلیت انتساب ضرر به فاعل فعل مقصرانه، فهم عرفی است» (یزدانیان، ۱۳۸۶، ۹۳).

۵-۲. رابطه استناد و سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲

بر اساس ماده ۵۲۶ قانون مجازات «در حالت اجتماع سبب و مباشر، جنایت به هر کدام که مستند باشد ضامن و عهده‌دار خسارت خواهد بود». در این قسمت رابطه استناد و سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ در حالت‌های مختلف اجتماع سبب و مباشر بررسی می‌شود.

۵-۲-۱. استناد جنایت به مباشر

جنایت گاه ممکن است به مباشر مستند باشد. این امر در چند حالت قابل تصور است. در بحث تعدد مباشرین چند حالت قابل تصور می‌باشد: الف) اجتماع مباشرین ب) اشتراک مباشرین. اجتماع و اشتراک مباشر و سبب یعنی دو تا عامل باهم ترکیب شده‌اند و ایجاد رابطه سببیت کرده‌اند اجتماع مباشرین به‌نوعی رابطه طولی است و اشتراک مباشرین ناظر به رابطه عرضی است (جاجی‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۸، ۴).

نموده است؛ به طوری که از وجود سبب تحقق مسبب و از عدم آن فقدان مسبب حاصل می‌آید» (عمیدزنجانی، ۱۳۸۹، ۷۸). تعریف سبب در میان حقوق‌دانان متأثر از تعاریفی است که فقها از سبب کرده‌اند: «تسبیب آن است که کسی سبب وقوع جرم شود و خود مستقیماً مرتکب جرم نشود، اما اگر سبب هم نباشد، جرم واقع نشود» (ملک زاده، ۱۳۸۹، ۳۷۶). دیوان عالی کشور در تعریف رابطه سببیت آورده است: «اگر مرتکب آن نمی‌شد این نتیجه حاصل نمی‌گردید» (مجموعه رویه قضایی، ۱۳۴۲، ۴). برخی دیگر نیز در خصوص تعریف رابطه سببیت می‌گویند: «منظور از رابطه سببیت یا علیت، علت منطقی که به محض وجود علت، معلول آن نیز پدید آید نیست، بلکه از قبیل سببیت است که از وجود سبب پدید می‌آید، ولی این‌طور نیست که به محض پیدایش علت معلول خود را به‌همراه داشته باشد» (شفاهی، ۱۳۳۸، ۴۱).

منظور از استناد، مستند کردن یک واقعه و رویداد به یک یا چند عامل بر پایه یک یا چند عنصر و مؤلفه است. «نظریه قابلیت استناد در کتب و آثار حقوقی نظریه جدیدی محسوب می‌شود، لذا در آثار حقوق‌دانان در این خصوص مطلبی به چشم نمی‌خورد» (میر محمدصادقی، ۱۳۸۶، ۷۵). ولی بهترین مالک برای احراز و تشخیص قابلیت استناد، داوری عرف است. برخی فقها عقیده دارند: «بایستی معیار تشخیص مسئولیت را صدق عرفی قرار دهیم، خواه عرف فقط مباشر را مسئول بداند، خواه هر دو را مسئول بداند؛ خواه فقط سبب را مسئول بداند» (حسینی المراغی، ۱۴۱۷، ۱۴۱). برخی دیگر از فقها نیز در بحث از «اجتماع سبب و مباشر به همین

۵-۲-۱-۱. اجتماع مباشرین

اجتماع مباشرین در طول هم‌زمانی صورت می‌گیرد که افعال ارتكابی آنان متعاقب هم و یکی پس از دیگری اتفاق بیفتد و یا به عبارتی میان آن‌ها تراخی و ترتب زمانی وجود داشته باشد. در این فرض حداقل دو تا عامل مستقیم تأثیر دارند در جنایت به‌طور خاص و جرم به‌طور عام و یا اینکه مباشری در زمان مقدم فعل مستقیم بر مجنی‌علیه و مباشر دیگر در زمان مؤخر فعل دیگری بر مجنی‌علیه مرتکب می‌شود در اینجا دو تا فعل مستقل ولی هر دو تأثیرگذار و می‌تواند موجب جنایت یا جرم شود به‌گونه‌ای که امکان مشارکت وجود ندارد. در اینجا قانون‌گذار اشاره کرده است اگرچه دو تا مباشر و دو تا فعل مستقیم وجود دارد اما به جهت رابطه مستقیم مباشر دوم فعل ارتكابی را به مباشر دوم منتسب دانسته است. موادی از قانون مجازات اسلامی حالت را از اجتماع مباشرین در طول هم پذیرفته است. مواد ۳۷۱ و ۳۷۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲ و نکته‌ای که در این مواد می‌باشد رابطه طولی به‌لحاظ مقدم و مؤخر بودن فعل ارتكابی دو مباشر است. مطابق ماده ۳۷۱ ق.م.ا. ۱۳۹۲: «هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان نفر دوم است اگرچه آسیب سابق به‌تنهایی موجب مرگ می‌گردید و اولی فقط به قصاص عضو محکوم می‌شود». بنابراین اگر مباشر اولی گلوله‌ای به دست الف شلیک کند و مباشر دومی گلوله‌ای به سر او شلیک نماید، اگرچه رفتار مباشر اولی می‌توانست موجب قتل شود ولی قتل را به مباشر دوم طبق قانون منتسب می‌دانند. مبنای ماده می‌تواند رابطه طولی به‌لحاظ مقدم و مؤخر بودن رفتار دو مباشر باشد، رفتار مباشر اول در زمان مقدم

و رفتار مباشر دوم در زمان مؤخر مؤثر بوده است و قانون‌گذار رفتار در زمان مؤخر را پذیرفته است یا به عبارتی دیگر مباشر مؤخر در تأثیر و جنایت را منتسب به آن دانسته است. در اینجا قانون‌گذار از نظریه سبب مستقیم و بلافاصله تبعیت کرده است. بر اساس ماده ۳۷۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲: «هرگاه کسی آسیبی به شخصی وارد کند به‌گونه‌ای که وی را در حکم مرده قرار دهد و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری با انجام رفتاری به حیات غیرمستقر او پایان دهد نفر اول قصاص می‌شود و نفر دوم به مجازات جنایت بر میت محکوم می‌گردد. حکم این ماده و ماده ۳۷۱ این قانون در مورد غیر جنایات غیر عمدی نیز جاری است». قانون‌گذار در رابطه طولی به‌لحاظ مقدم و مؤخر بودن، رابطه مباشر مقدم در تأثیر را پذیرفته است.

همان‌گونه که اشاره شد اجتماع مباشرین در طول هم فقط ناظر به جنایات نیست در جرائم دیگر هم از این قاعده باید پیروی می‌شود، مثلاً در جرم تخریب مباشر اول دیوار خانه الف را تخریب می‌کند و تا حدی که هر لحظه امکان ریزش آن وجود دارد مباشر دوم با یک ضربه دیوار را تخریب می‌کند. پس در نتیجه باید فعل ارتكابی به مباشر دوم منتسب دانست (نجفی‌توانا و دیگران، ۱۳۹۹، ۲).

«گاهی ممکن است چند عامل با افعال متعدد مباشرت در جرم نموده؛ به‌طوری که جنایت محصول مجموع افعال آن‌ها محسوب گردد؛ به‌نحوی که رابطه علیت بین فعل هر یک از آنان و جنایت حاصله ثابت باشد. به عبارت دیگر گاه چند عامل به‌نحو مستقیم و بلاواسطه باعث ورود خسارت یا جنایت علیه دیگری می‌شوند که در این صورت همه آن‌ها به‌نحو مساوی

حسب مورد عاقله یا خود مرتکب، نصف دیه را باید به مجنی علیه یا اولیای دم او بپردازند.

«استفاده تدوین‌کنندگان قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از واژه بی‌واسطه مفهوم معنی مباشرت است. در خصوص ماده ۵۲۷ دو نکته قابل ذکر است: اول اینکه ماده مذکور بر خلاف مواد قبلی میزان تأثیر هر یک از طرفین را واجد اهمیت تلقی کرده و لیکن نحوه تشخیص میزان تأثیر را بیان ننموده است، گویا در این مورد نیز همانند آنچه که در رویه قضایی معمول است باید از نظرات کارشناسی استفاده کرد، و همین نکته، ضعف این قسمت از ماده محسوب می‌شود چراکه در صورت وقوع چنین حادثه‌ای به نظر می‌رسد که باید از میزان تأثیر عوامل صرف نظر کرد، و به نتیجه واقع شده توجه اساسی مبذول داشت زیرا این که هر یک در وقوع این نتیجه چه مقدار مقصر بوده‌اند، به علت مشکلات عملی تعیین این مقدار و بروز نتایج احتمالی مبتنی بر بی‌عدالتی و تشتت در آرای قضایی نباید مد نظر قرار گیرد» (عابدی، ۱۳۹۳، ۴۵).

«دوم این که، علت این موضوع که مواد پیش‌گفته قانون مصوب ۱۳۷۰، هر کدام از مباشرین را عهده‌دار پرداخت نصف دیه می‌دانستند، این بود که در این جا مرگ مستند به دو عامل می‌باشد: یکی خود مقتول و دیگری عاملی که با مقتول برخورد داشته است. بنابراین نصف دیه به دلیل استناد جنایت به خود مقتول ساقط می‌شود و عامل دیگر فقط مسئول پرداخت نصف باقیمانده می‌باشد که به او استناد دارد. اما اینکه در فرضی که هر دو عامل (یعنی هر دو نفری که به هم برخورد می‌کنند) کشته می‌شوند، دو ماده ۳۳۴ و ۳۳۵ قانون مجازات قبلی هر کدام از دو عامل

مسئول می‌باشند. بنابراین تحقق این نوع مسئولیت به شرطی است که نتیجه زیان‌بار قابل استناد به عمل همه آن عوامل متعدد باشد. به عنوان مثال چند نفر باهم یک نفر را گرفته و از پرتگاهی پرتاب کنند و همین عمل منجر به فوت آن شخص و یا صدمات بدنی شود یا مثلاً دو نفر با ضربات متعدد چاقو باعث سلب حیات از دیگری شوند» (گرگی، ۱۳۸۰، ۱۰۷).

«اجتماع مباشرین متعدد گاه‌ها در عرض همدیگر است در این حال، گاه وضعیت به گونه‌ای است که این عوامل باعث ایراد جنایت بر یکدیگر می‌شوند که در این زمینه امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله می‌فرماید: هرگاه دو نفر آزاد و عاقل و بالغ با یکدیگر برخورد کرده و در اثر آن بمیرند، اگر قصد قتل یکدیگر را داشته باشند قتل عمد است و اگر قصد قتل یکدیگر را نداشته باشند و فعل هم غالباً کشنده نباشد، قتل شبه‌عمد است و ورثه هر کدام نصف دیه دیگری را پرداخت می‌کند و نصف باقی‌مانده از هر دو ساقط می‌شود» (خمینی، ۱۳۶۸، ۵۶۳). «در تأیید همین نظر مواد ۳۳۴ و ۳۳۵ قانون مجازات سابق نیز مباشرین را به طور تساوی عهده‌دار پرداخت دیه می‌دانست. ماده ۳۳۴ در موردی است که هر دو مباشر کشته شوند و ماده ۳۳۵ نیز در موردی است که یک نفر از مباشرین کشته شود» (صادقی، ۱۳۹۳، ۳۴). بر اساس ماده ۵۲۷ قانون ۱۳۹۲: «هرگاه دو نفر بر اثر برخورد بی‌واسطه با یکدیگر کشته شوند یا آسیب ببینند، چنانچه میزان تأثیر آن‌ها در برخورد، مساوی باشد، در مورد جنایت شبه‌عمدی نصف دیه هر کدام از مال دیگری و در مورد خطاء محض نصف دیه هر کدام به وسیله عاقله دیگری پرداخت می‌شود و اگر تنها یکی از آن‌ها کشته شود یا آسیب ببیند،

ماده ۱۲۵ ق.م.ا که تمام جرائم را در شامل می‌شود و بحث شرکت در جرم نیز هست: «هرکس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هریک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت آن جرم است.....» در ماده ۱۲۵ ق.م.ا که بحث اشتراک مباشرین می‌باشد چه در جنایت یا غیر آن، قانون‌گذار دو واژه به کار برده است که بیان نموده است که رفتار آن‌ها به تنهایی کافی باشد یا نباشد در واژه (نباشد) ایرادی ندارد و اشتراک مباشرین شکل گرفته است ولی اگر رفتار آن‌ها به تنهایی کافی باشد و در حالت ارتکاب رفتار هر دو مباشر قابل انتساب باشد جمع این دو عنوان چگونه می‌باشد، در حالتی که رفتار هر یک به تنهایی کافی باشد و نیز قابل مشارکت باشد. این حالت اگر رفتار دو مباشر باهم مرتکب رفتاری شوند اگرچه به تنهایی صورت گیرد برای جنایت کافی است مثلاً هم زمان مجنی‌علیه پرت کنند یا سنگ بزنند در غیر این صورت باید آنها را شامل مواد ۳۷۱ و ۳۷۲ قانون مجازات اسلامی دانست (بایوردی و دیگران، ۱۳۹۷، ۳۸).

۵-۲-۲. استناد جنایت به سبب

گاه ممکن است استناد جنایت به سبب باشد که در این وضعیت نیز چند حالت قابل تصور است.

۵-۲-۱. اشتراک اسباب

را عهده‌دار پرداخت نصف دیه دیگری می‌دانستند و تهاثر صورت نمی‌گرفت. آثار این موضوع درجایی آشکار می‌شود که آن دو عامل از یک نوع نباشند و میزان دیه آن‌ها یکسان نباشد، مثلاً یکی از عوامل زن باشد و دیگری مرد. هم‌چنین در موردی که یکی از مباشرین مسلمان باشد و دیگری غیرمسلمان. به نظر می‌رسد چنین تفکیکی به جهت دقت تدوین کنندگان قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۵۲۷ به نحو شفاف‌تری انعکاس یافته است» (صفایی، رحیمی، ۱۳۹۶، ۹۲).

۵-۲-۱-۲. اشتراک مباشرین

عده‌ای از حقوق‌دانان این نوع اشتراک مباشرین را اجتماع مباشرین در عرض هم نامیده‌اند (گرچی، ۱۳۸۰، ۱۰۷). در صورتی اگر اجتماع مباشرین در عرض هم را پذیرفت با اشتراک مباشرین خلط خلط می‌گردد. و ابهاماتی را به وجود می‌آورد. اگر دو یا چند مباشر مرتکب افعالی بر مجنی‌علیه شوند و رفتار آن‌ها چه به صورت هم‌زمان یا غیر هم‌زمان باشد ولی در نهایت ترکیب آن دو باعث جنایت یا وقوع جرم شود در رکن مادی نیز رفتار هم‌زمان یا مقدم و مؤخر باشد این صوری از اشتراک مباشرین می‌باشد. مصداق اشتراک مباشرین مربوط به جنایت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مد نظر قانون‌گذار قرار گرفته است: ماده ۳۶۸ ق.م.ا «اگر عده‌ای آسیب‌هایی را بر مجنی‌علیه وارد کنند و تنها بر خی از آسیب‌ها موجب قتل او شود فقط واردکنندگان این آسیب‌ها، شریک در قتل باشند و دیگران حسب مورد، به قصاص عضو یا پرداخت دیه محکوم می‌شوند». این ماده در بحث جنایات است.

استفاده از معیار تناسب میزان خسارت را تعیین می‌نمایند. بنابراین در رابطه با این قضیه باید قانون‌گذار همان‌گونه که معیار تناسب یا ضمان سهمی را در ماده ۵۲۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ پذیرفته است، در این ماده نیز مورد عنایت قرار می‌داد که باعث تشتت آراء نشود.

۵-۲-۲-۲. تعدد اسباب

الف. اجتماع اسباب به‌نحو طولی

یعنی اینکه سبب‌ها هم‌زمان تأثیر نکرده‌اند، یکی اثر کرده و تمام شده است و سپس در زمان بعدی، دیگری اثر کرده است. ماده ۵۳۵ ق.م.ا. ۱۳۹۳ در رابطه اجتماع اسباب مبنای آن را از نظریه فقه اسلامی سبب مقدم بر تأثیر نشئت گرفته است. طبق این ماده: «هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیر مجاز در وقوع جنایتی به‌نحو سبب و به‌صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه قصد جنایات را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود». قانون‌گذار نظریه سبب مقدم در تأثیر که از فقه اقتباس شده است مورد قبول قرار داده است. محتوای ماده ۵۳۵ قانون مجازات ۱۳۹۲ نیز در قانون سال ۱۳۷۰ در ماده ۳۶۴ مطرح شده بود که در ماده ۳۶۴ ق.م.ا. ۱۳۷۰ کلمه «عدواناً» آورده بود؛ ولی در قانون جدید «غیر مجاز» جایگزین آن قرار

با توجه به ماده ۳۳ ق.م.ا. ۱۳۹۲: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند، به طوری که آن جنایت یا خسارت بر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند» در این ماده اشتراک اسباب را پذیرفته است. این ماده جایگزین ماده ۳۶۵ ق.م.ا. سابق شده است، هرگاه چند نفر باهم سبب آسیب یا خسارتی شوند، به طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود». اشتراک اسباب یکی از پر کاربردترین بحث‌های است که در رابطه سببیت مطرح می‌شود و پرونده‌های تصادفات راهنمایی رانندگی و تفصیلات ناشی از کار در این باب است. قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ هم‌چنان به این قاعده پای‌بند بوده است. «در این ماده برای جبران خسارت از معیار تساوی تبعیت نموده است، برابر این نظریه، مسئولیت باید به تساوی بین افراد مسئول تقسیم شود و هر یک باید سهم مساوی در جبران خسارت داشته باشد؛ زیرا فرض این است که چند نفر در ایجاد یک حادثه و ایراد خسارت نقش داشته‌اند و ضرر ناشی از عمل مشترک آنان است و نباید مسئولیت مشترک را تجزیه کرد و این معیار با فقه اسلامی سازگار است» (عظیم‌زاده، ۱۳۹۲، ۹۲).

در رویه قضایی به این ماده استناد نمی‌شود اگر چند سبب در وقوع جنایت یا خسارتی تأثیر داشته باشند به کارشناس ارجاع خواهند داد و از معیار تناسب برای جبران خسارت بهره می‌برند هرچند نص قانون و رأی وحدت رویه وجود دارد؛ اما در دادگاه به آن عمل نمی‌شود به اعتقاد نگارندگان این اجتهاد در مقابل نص است. برای مثال اگر در پرونده تصادف چند سبب دخالت داشته باشند برای جبران خسارت، قضات به کارشناس مربوطه ارجاع می‌دهند و با

می‌نماید باز در اینجا ب ضامن است. قانون‌گذار در حالت از نظریه سبب مؤخر در تأثیر پیروی کرده که با نظریات حقوق عرفی مطابقت دارد.

در ابتدای ماده ۵۳۵، مقنن، اصطلاح «عدونا» را که در ماده ۳۶۴ قانون سابق به کار رفته بود، جایگزین عبارت «با انجام عمل غیر مجاز» کرده است. در خصوص معنای اصطلاحی عدوان چنین آمده است: «عدوان به معنای انجام عملی است که شرعاً و قانوناً جایز نمی‌باشد» (قیاسی و دیگران، ۱۳۸۸). هم‌چنین واژه عدوان در ماده ۳۶۴ قانون سابق این‌گونه تعبیر شده است: «عدوان در این ماده به معنای تقصیر است و شامل بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و رعایت نکردن مقررات دولتی و شرعی می‌باشد» (زراعت، ۱۳۷۸، ج ۱، ۸۵). عبارت عمل غیر مجاز در ماده ۵۳۵ قانون مجازات نیز این چنین تحلیل شده است: «معیار تشخیص غیر مجاز بودن عمل، عواملی است مثل «خروج مرتکب از حد متعارف»، «انجام کار بدون اذن» و یا «انجام کار بدون رعایت موازین و مقررات» (میر محمدصادقی، ۱۳۸۶، ۹۵). «بدین ترتیب به نظر می‌رسد که تغییر اصطلاح عدوان و غیر عدوان به مجاز و غیر مجاز تنها تغییر در واژه به کار رفته در متن ماده است و نه تغییر در معنای آن و هر دو واژه مترادف هستند» (عابدی، ۱۳۹۳، ۶۵).

«در انتهای ماده ۵۳۵ قانون‌گذار حکم جدیدی را ذکر می‌کند که در قانون پیشین سابقه نداشته است. به این شرح که به موجب ماده ۳۶۴ قانون سابق در اجتماع اسباب عدوانی (غیر مجاز) تنها سبب مقدم در تأثیر ضامن بود و صرف تقدم در تأثیر به تنهایی در تحقق ضمان کافی فرض می‌شد و فرض تبانی و وجود قصد برای هر دو سبب مورد توجه قرار نگرفته

داده است و در ذیل ماده ۵۳۵ ق.م.ا ۱۳۹۲ این را اضافه کرده است: «مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود». قانون‌گذار تا حدودی خواسته است این نظریه را تعدیل کند.

در ذیل ماده ۵۳۵ ق.م.ا ۱۳۹۲ قانون‌گذار مشخص نکرده است باهم قصد تبانی دارند یا نه؟ فرضاً الف چاه می‌کند یا ب سنگ می‌گذارد که ج در داخل آن بیفتد اگر این دو باهم تبانی کرده باشند که شخص ج در داخل چاه بیفتد در اینجا شرکت در جرم محسوب می‌شود؛ ولی اگر نه فقط کدام به تنهایی قصد کرده باشند که شخصی در آن بیفتد، آیا باز شرکت در جرم محسوب می‌شود. قانون‌گذار به صورت واضح مشخص نکرده است در صورتی هم که تبانی نکرده باشند باز می‌توان شرکت در جرم دانست.

و نظر سبب مقدم در تأثیر استثنا دیگری دارد که در ماده ۵۳۶ ق.م.ا ۱۳۹۲ مطرح شده است «هرگاه در مورد ماده (۵۳۵) این قانون عمل یکی از دو نفر غیر مجاز و عمل دیگری مجاز باشد؛ مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست. شخصی که عملش غیر مجاز بوده، ضامن است. اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می‌شود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است». در ذیل ماده مذکور این بحث است اگر الف که چاهی غیر مجاز حفر می‌کند و ب با آگاهی کنار این چاه سنگی قرار دهد ب ضامن است یا برعکس در این قضیه الف سنگی غیر مجاز قرار می‌دهد و ب چاهی غیر مجاز در کنار آن حفر

که مرتکب عمل غیر مجاز را ضامن می‌دانست) در اینجا نفر دوم بدون لحاظ مجاز یا غیر مجاز بودن عملش ضامن خواهد بود» (جدیدی‌داوردآبادی و دیگران، ۱۳۹۶، ۵).

«باید گفت ضرر نهایی در اسباب طولی به سبب اول مستند نیست، بلکه به همه‌ی اسباب مستند است، مگر اینکه سبب اول خود موجب خسارت نهایی شده و اسباب بعدی در میزان زیان اثر نداشته باشند. با این لحاظ می‌توان گفت در اسباب طولی، زیان نهایی به تمام اسباب مستند می‌شود و همه دارای مسئولیت‌اند، مگر اینکه ثابت شود سبب یا اسبابی در میزان خسارت تأثیری نداشته است» (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶، ۴۳). «انتظار می‌رود رویه قضایی و پزشکی قانونی در مورد مسئولیت اسباب متعدد طولی، دچار اختلاف و تردید شوند و به مقتضای عدالت و انصاف و برخلاف ظاهر قانون، به تقسیم مسئولیت بین اسباب متعدد طولی که حادثه به آنان منتسب باشد، حکم کنند و نظریه سبب مقدم در تأثیر مانند سابق مهجور و متروک باقی بماند» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۶، ۹۱).

ب. اجتماع اسباب متعدد عرضی

اجتماع اسباب متعدد عرضی وقتی است که چند سبب در عرض هم و به طور هم‌زمان بدون اینکه تأثیر هر کدام از آن‌ها متوقف بر وجود عامل دیگر باشد و بدون اینکه وجود یکی شرط تأثیر دیگری باشد، در وقوع جنایت مداخله می‌نمایند، به نحوی که جنایت حاصله ناشی از فعل همه آن‌ها و مستند به همه اسباب است. موضوع ماده ۵۳۳ در مورد شرکت در تسبیب است. با این توضیح که اگر چند سبب مجتمعاً باعث وقوع آسیب یا خسارتی بر دیگری شوند؛ به طوری که جنایت و آسیب به همه آن‌ها

بود که بی‌تردید مصداق شرکت در قتل محسوب می‌شد، این نقیصه در ماده ۵۳۵ قانون جدید اصلاح گردید (عظیمزاده، ۱۳۹۲، ۹۲). «بر این اساس چنانچه همه اسباب طولی غیر مجاز قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند، شرکت در جرم محسوب می‌شود و همه شرکت‌کنندگان طبق قسمت اخیر ماده ۵۳۵ تحت عنوان شریک در جرم قابل تعقیب خواهند بود و اگر اسباب طولی، مرتکب عمل غیرمجاز شوند، اما قصد ارتکاب جرم را نداشته باشند و به عبارت دیگر عامد نباشند، بر اساس قسمت اول ماده ۵۳۵ سبب مقدم در تأثیر ضامن خواهد بود. به این ترتیب از دیگر نوآوری‌های این قانون، حکم قسمت اخیر ماده ۵۳۵ است که در مورد شرکت در جرم اسباب طولی غیر مجاز می‌باشد و مشابه این حکم در قانون سابق سابقه نداشته است» (صادقی، ۱۳۹۳، ۵۶).

«در شرح و توضیح ماده ۵۳۶ قانون مجازات نیز باید باید گفت که مشابه حکم قسمت اول این ماده در انتهای ماده ۳۶۴ قانون سابق وجود داشت و تنها عبارت عمل مجاز و غیر مجاز جایگزین عمل عدوانی و غیر عدوانی شده و همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد تغییر واژه‌ها تغییری در ماده ایجاد نکرده است. اما در بخش دوم این ماده فرض جدیدی بیان شده است که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰ سابقه نداشته است. طبق قسمت دوم ماده اگر دو سبب طولی که عمل یکی مجاز و دیگری غیر مجاز باشد، مرتکب حادثه یا خسارتی شوند، در صورتی که نفر دوم به زیان‌بار بودن عملش علم داشته باشد و با این وجود مرتکب آن عمل شود، هر چند عمل وی مجاز باشد، طبق قسمت اخیر ماده (و برخلاف قسمت اول ماده

چند درصد در وقوع جنایت سهیم است و با توجه به آن، میزان مسئولیت را تعیین کرد» (زراعت، ۱۳۷۸، ج ۱، ۴۵).

همچنین در تحلیل ماده ۳۶۵ قانون سابق چنین بیان شده: «گرچه ماده مزبور در ظاهر بدون توجه به میزان تقصیر اسباب مختلف آن‌ها را به طور مساوی مسئول می‌داند، اما نباید فریب این ظاهر را خورد. در واقع، مفاد ماده ناظر به موردی است که نتوان تأثیر هر یک از اسباب را ثابت کرد؛ به عبارت دیگر، ماده مزبور از نظر ثبوتی حکمی ندارد، ولی در مرحله اثبات، نوعی اماره اثباتی ایجاد می‌کند و دادرسی را در این باره برای دادرس آسان می‌کند. چه به استناد این اماره دادرس به تأثیر هر یک از سبب‌ها و در نتیجه مسئولیت مساوی آن‌ها حکم صادر می‌کند، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود» (اصغری، ۱۳۸۵، ۵۶). بنابر آنچه گفته شد تأثیر متفاوت اسباب عرضی در پیدایش حادثه مسئله‌ای بعید نیست. بهتر بود قانون‌گذار فرضی که تأثیر اسباب متفاوت باشد را نیز در نظر می‌گرفت (میر محمدصادقی، ۱۳۸۶، ۷۳).

۵-۲-۳. اجتماع سبب و مباشر

مطابق ماده ۳۶۳ ق.م.ا. ۱۳۷۰: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است؛ مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد». «بنا به قول فقها در فرض اجتماع سبب و مباشر هنگامی که مباشر قوی‌تر است و یا هر دو مساوی هستند مباشر ضامن است» (نجفی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۶۷). نظر قانون‌گذار در سال ۱۳۷۰ و فقها بر این بوده است که اصل بر

مستند باشد آن را شرکت در تسبیب گویند مانند آنکه چند نفر با شهادت دروغ خود باعث شوند قاضی حکم به قصاص یا اجرای حد در مورد کسی بدهد یا آنکه چند نفر باهم شخصی را با تهدید مجبور به ارتکاب جنایتی نمایند» (قیاسی، ۱۳۸۶، ۷۳).

«قانون‌گذار در بحث تعدد اسباب عرضی از نظر مشهور پیروی کرده است؛ به طوری که در ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰ چنین مقرر شده بود هرگاه چند نفر باهم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود». در ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ نیز مقنن از همان شیوه قانون سابق تبعیت کرد. به موجب این ماده: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند» (صادقی، ۱۳۹۱، ۸۳).

«ماده ۵۳۳ تفاوتی با ماده ۳۶۵ قانون سابق ندارد و همان حکم ماده ۳۶۵ دوباره تکرار شده است. قانون‌گذار در مواد مذکور بدون در نظر گرفتن میزان مشارکت هر یک از اسباب در وقوع حادثه، میزان ضامن را به نحو مساوی مقرر نموده است. این مطلب به این معناست در صورتی که در بروز جنایتی شرکت به نحو تسبیب باشد، همه شرکا که آسیبی یا خسارت به رفتار آن‌ها مرتبط می‌شود و هر یک به نحوی در آن دخالت داشته باشند، مسئولیت اشتراکی متساوی بار می‌شود» (صادقی، ۱۳۹۳، ۹۲). در نقد این حکم مقنن گفته شده است: «به فرض آنکه همه سبب‌ها را ضامن بدانیم، نمی‌توان همه را در یک حد و به صورت مساوی ضامن دانست، بلکه باید دید هر سبب

۱. حذف اصل ضمان مباشر طبق ماده ۳۶۳ ق.م.ا. ۱۳۷۰ و نظر فقها که اصل را بر مسئولیت ضمان مباشر قرار داده بودند؛ ولی قانون‌گذار از این اصل عدول کرده است و در ماده ۵۲۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ در بیان اینکه اگر در بحث اجتماع مباشر و سبب جنایتی رخ دهد نمی‌توان آن را به مباشر منتسب دانست؛ بنابراین طبق این ماده «عاملی که جنایت مستند به اوست» را پذیرفته است. یعنی ممکن مباشر یا سبب مسئول باشند.

۲. در قانون قدیم اگر مباشر و سبب باهم در وقوع جنایتی دخالت داشتند نمی‌توانست هر دو عامل را مسئول قلمداد نمود یا مباشر و یا سبب ضامن بود، اما قانون‌گذار این نکته را پذیرفته است طبق ماده ۵۲۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ «و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند، مگر عبارتی مباشر و سبب هر دو ضامن می‌باشند».

۳- در فرضی که جنایت هم به سبب و هم مباشر مستند باشد نظر مشهور فقها این است که آنجا که دو نفر مسئول حادثه‌اند، هر یک به اندازه نصف دیه مسئول‌اند؛ اعم از اینکه میزان تأثیر رفتارشان برابر یا متفاوت باشد؛ اما ماده ۵۲۶ ضمان را بر حسب میزان تأثیر رفتار سبب و مباشر قرار داده است و ضمان سهمی (توزیع مسئولیت بر حسب میزان تأثیر) را قبول کرده است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۶، ۸۹). پس برای اولین بار قانون‌گذار به صراحت ضمان سهمی را مورد پذیرش قرار داده است.

مسئولیت مباشر است؛ مگر اینکه خلاف آن ثابت بشود. برای مثال اگر الف چاهی را حفر کند و ب شخص ج را داخل آن پرت کند اصل را بر مسئولیت مباشر می‌دانستند. و قانون مدنی هم طبق ماده ۳۳۲: «هرگاه یک نفر سبب تلف شدن مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود مباشر مسئول است، نه مسبب، مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد»، همان قاعده را پذیرفته است. اما در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۵۲۶ اشاره کرده است: «هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست، ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند، مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار باشد، جاهل، صغیر، غیر ممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد، فقط سبب، ضامن است». هرگاه مسبب و مباشر با هم جمع شوند باید دید کدام یک اقوا و مؤثرتر است. اگر مباشر، مختار و عاقل باشد و به عمل خود و نتیجه آن التفات و توجه داشته باشد، ضامن و مسبب فاقد ضمان است؛ اما اگر مباشر صاحب اراده و شعور نباشد، مسبب ضامن خواهد بود؛ مانند آنکه کسی حیوان خود را رها کند و حیوان با ورود در ملک غیر، خسارتی وارد سازد که در این صورت، صاحب حیوان (مسبب) ضامن خسارت است.

تحولاتی که قانون‌گذار در بحث اجتماع مباشر و سبب به وجود آورده است:

۵-۲-۳-۱. اجتماع سبب و مباشر در عرض هم

«در این حالت هم افعال ارتكابی از سوی سبب و مباشر در عرض همدیگر می‌باشند و تأثیر هیچ‌کدام متوقف بر وجود دیگری نیست و هیچ‌کدام از آنها شرط تأثیر دیگری نمی‌باشد، بلکه هر یک از آنها صرف‌نظر از همراهی با عامل دیگر در وقوع جرم مؤثر هستند و جنایت ارتكابی نیز مستند به مجموع افعال ارتكابی از سوی سبب و مباشر می‌باشد. مثلاً یکی از عوامل به‌عنوان سبب، غذای مجنی‌علیه را آلوده به سم می‌کند و دیگری نیز به‌عنوان مباشر چاقویی به او می‌زند و سرانجام مجنی‌علیه در اثر تأثیر هم‌زمان سم و جرح وارده کشته می‌شود. در این صورت نیز سبب و مباشر هر دو به‌طور مساوی مسئولیت داشته و هر یک از آنها مجازات فاعل مستقل را دارد و در صورت عمدی بودن جنایت می‌توان هر دو را قصاص کرد. این موضوع که منطقی می‌نماید در ماده ۵۲۶ ق.م.ا به‌طور صریح مورد اشاره قرار گرفته و ابهام در این خصوص که به شرط تأثیر هم عرض مباشر و سبب در جنایت، آیا سبب نیز مسئول تلقی می‌شود را از بین برده است و از این نظر باید این ماده را نوآوری مهم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در خصوص رابطه سببیت دانست. در این مورد که در صورت تساوی سبب و مباشر، آیا باید ایشان را شریک قلمداد کرد، اختلاف نظر است. در غیر مورد جنایات معمولاً قضاات دادگاه‌ها سبب و مباشر هم عرض را شریک قلمداد می‌کنند ولی در جنایات به نظر می‌رسد تمایل قضاات به عدم توسعه مفهوم مشارکت به اسباب است» (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۰، ۱۴۴).

۵-۲-۳-۲. اجتماع سبب و مباشر در طول هم

اجتماع سبب و مباشر ممکن است به سه صورت باشد: ۱. اقوی بودن مباشر از سبب: در این حالت بدون تردید و اختلاف، مباشر مسئول است و همین معیار از ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز استنباط می‌شود. ۲. تساوی سبب و مباشر: «ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در صورت تساوی سبب و مباشر بدون ذکر حد و حدود و قیود مسئله در صورت استناد جنایت به هر دو عامل، به‌نوعی هر دو را مسئول دانسته است. البته به نظر می‌رسد که این نظر مطابق نظر مشهور فقها نیست. در واقع در این ماده، احراز رابطه علیت و اسناد عرفی جنایت به عامل جنایت ملاک قرار گرفته است، بدون اینکه مباشر یا سبب بودن عامل فی‌نفسه موضوعیتی داشته باشد. بنابراین از آنجا که عرفاً جنایت به هر دو عامل استناد دارد و هر دو عامل از نظر میزان تأثیرگذاری (بر اساس عرف) مساوی می‌باشند، مسئولیت متوجه هر دو عامل خواهد بود و در نتیجه مباشر یا سبب بودن نمی‌تواند ملاک تعیین مسئولیت باشد. به‌عبارت دیگر معیار مهم، اسناد عرفی جنایت می‌باشد که به هر دو عامل نسبت داده می‌شود» (بازگیر، ۱۳۲، ۱۳۷۷، ۱۳۱). ۳. اقوی بودن سبب از مباشر: «یکی از حالت‌هایی که در صورت همراهی مباشر با سبب مطرح است، موردی است که سبب قوی‌تر از مباشر جرم باشد. مانند اینکه شخصی دیگری را به خوردن طعام مسمومی دعوت نماید و مدعو هم درحالی که کاملاً از قضیه بی‌خبر است، آن را بخورد و بر اثر خوردن طعام آلوده فوت نماید. در این فرض بنابر قول مشهور فقها اگرچه مهمان مباشرتاً اقدام به تناول نموده است، لکن به‌خاطر

در تأثیر مسئول نیست، بلکه شرکت در جرم محسوب می‌شود و همه به مجازات فاعل مستقل می‌رسند. استثنای دیگر این است که در اجتماع دو سبب طولی که عمل یکی مجاز و دیگری غیر مجاز است، اگر سبب دوم پس از عمل سبب اول مرتکب فعلی شود که این فعل در کنار فعل سبب اول موجب صدمه و آسیب به دیگران شود و خود نیز به آن آگاه باشد، در این صورت سبب دوم ضامن خواهد بود، فارغ از اینکه مقدم در تأثیر باشد یا نباشد، فعلش مجاز باشد یا نباشد. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با وجود تلاش و تکاپوی جدی برای حل مشکل رابطه سببیت در ماده‌های گوناگون، در مجموع کامیاب نبوده است و نقصان‌هایی در این رابطه مشهود است. مهم‌ترین مشکل، فقدان معیار واحد و تجویز راهکارهای متعدد برای احراز سببیت است. قاعده کلی و یک دست برای حل مشکل سببیت وجود نداشته است و بسته به نوع و کیفیت مداخله مرتکبان، مسئولیت آن‌ها بر اساس ماده‌های مورد بحث تعیین می‌شود. به نظر می‌رسد، معیاری که در ماده ۵۲۶ ق.م.ا در ذیل طرح اجتماع سبب و مباشر مورد تجویز قانون- گذار قرار گرفته است، از جهاتی منطقی و قابل دفاع باشد. اگر این ماده عمومیت پیدا کرده است و به همه حالت‌ها اعم از تعدد مباشر و تعدد اسباب تسری یابد، ضابطه معقولی به دست خواهد آمد.

جهل و به‌خصوص آگاهی سبب به آلوده بودن غذا، تقدیم‌کننده غذای مسموم به‌عنوان سبب اقوی از لحاظ عرف مسئول تلقی می‌گردد. البته منظور از اقوی بودن که در لسان فقها به کار رفته است، به احراز انتساب برمی‌گردد، زیرا فاعل جرم زمانی در ارتباط با آن مسئول می‌باشد که قابلیت استناد به او وجود داشته باشد، لذا چنانچه سبب و مباشر در خصوص جنایتی باهم جمع شوند، در صورتی سبب مسئول خواهد بود که از مباشر در استناد پدیده مجرمانه به او قوی‌تر باشد و به عبارت دیگر رابطه استناد نسبت به سبب در نظر عرف احراز شده باشد» (بازگیر، ۱۳۷۷، ۱۳۲).

۶. نتیجه

در بحث شرکت در تسبیب (اسباب عرضی) ماده ۵۳۳ قانون همان رویه ماده ۳۶۵ قانون سابق را در پیش گرفت. مطابق حکم این ماده همه اسباب، شریک در جرم هستند و همه به‌طور مساوی مسئول جبران جنایت یا خسارت پیش‌آمده است.

در بحث اجتماع اسباب (اسباب طولی) ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی مطابق ماده ۳۶۴ قانون سابق حکم به مسئولیت سبب مقدم در تأثیر نمود، اما استثناهایی در این مورد قائل شد که در قانون سابق وجود نداشت. استثنای اول این است که در قانون سابق به‌طور کلی حکم به ضمان سبب مقدم در تأثیر شده بود بدون توجه به عامد بودن تمام اسباب طولی غیر مجاز، اما در قانون جدید اگر همه اسباب طولی غیر مجاز قصد ارتکاب جرم را داشته باشند و به عبارت دیگر عامد باشند در اینجا دیگر سبب مقدم

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

فارسی

- اصغری، شهرام، «تأثیر میزان تقصیر در مسئولیت مدنی در فقه امامیه و حقوق ایران»، نشریه پژوهش-نامه حقوق و علوم سیاسی، شماره‌های دوم و سوم، ۱۳۸۵.
- انوری، حسن، فرهنگ روز سخن، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۳.
- بازگیر، یداله، قانون مجازات اسلامی در آئینه آرای دیوان عالی کشور (قتل شبه عمد و خطای محض)، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۷.
- بایبوردی، اردوان؛ رشیدی، ساناز، «دخالت عوامل متعدد در ایراد خسارت؛ رابطه استناد در قانون مجازات اسلامی و قانون مدنی»، مجله نامه صدوق، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۷.
- جدیدی داوودآبادی، قاسم و صبوری‌پور، مهدی، معیار رابطه سببیت در فرض تعدد عوامل در وقوع جرم، تهران، نخستین کنگره بین‌المللی حقوق ایران با رویکرد حقوق شهروند، ۱۳۹۶.
- جر، خلیل، فرهنگ لاروس، جلد دوم، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰.
- حاجی ده‌آبادی، احمد، «استناد و نقش آن در شرکت در جرم»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره پنجاه و سوم، ۱۳۹۰.
- حاجی ده‌آبادی، احمد، جرائم علیه اشخاص، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۶.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی و فیروزمند، مقدس، تعدد مباشر و سبب در باب احراز رابطه سببیت از منظر فقه و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، کرج، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، ۱۳۹۸.
- حکمت‌نیا، محمود، مسئولیت مدنی در فقه امامیه، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
- خمینی، روح‌اله، تحریرالوسیله، چاپ ششم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، جلد هشتم و نهم، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- زراعت، عباس، شرح قانون مجازات بخش دیات، جلد اول، چاپ اول، تهران انتشارات ققنوس، ۱۳۷۸.
- سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد)، جلد اول، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۵.
- شفاهی، حسن، «مسئولیت مدنی»، مجله حقوقی وزارت دادگستری، شماره چهل و هفتم، ۱۳۳۸.
- صادقی، محمدهادی، «اجتماع سبب و مباشر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، مجله مطالعات حقوقی، شماره دوم، ۱۳۹۳.
- صادقی، محمدهادی، جرائم علیه اشخاص، چاپ هجدهم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۱.

- صالحی راد، محمد، «تسبیب و وجوه آن»، مجله حقوقی و قضایی، شماره‌های بیست‌وهشتم و بیست‌ونهم، ۱۳۷۸
- صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب‌اله مسئولیت مدن(الزامات خارج از قرارداد)، چاپ دهم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۶.
- عابدی، محمد، «معمای تعدد اسباب در قانون مجازات اسلامی با تأکید بر مسئولیت مدنی اسباب و عوامل متعدد در خطاهای پزشکی»، شیراز، چهارمین همایش سراسری طب و قضا، ۱۳۹۳
- عظیم‌زاده، شادی، حقوق جزای اختصاصی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات دوران‌دیشان، ۱۳۹۲.
- علی‌دوست، ابوالقاسم؛ علیبای، حسین، «معیار ضمان»، نشریه فقه اهل بیت، شماره‌های هفتاد و هفتادویکم، ۱۳۹۱.
- عمید زنجانی، عباسعلی، موجبات ضمان، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹
- قیاسی، جلال‌الدین؛ ساریخانی، عادل؛ خسروشاهی، قدرت، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
- گرجی، ابوالقاسم، دیات، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- مجموعه رویه قضایی، «آرشیو کیهان»، نشریه آرا هیئت عمومی دیوان عالی کشور، شماره شانزدهم، ۱۳۴۲.
- ملک‌زاده، فهیمه، اصطلاحات تشریحی حقوق جزا، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۹
- میر محمدصادقی، حسین، جرائم علیه اشخاص، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶
- نادری عوج بغزی، جواد؛ صانعی، فاطمه؛ پایدارفرد، علی، «کارکرد عرف در فقه و حقوق کیفری و کاربرد آن در احراز رابطه استناد»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱.
- نجفی توانا، علی؛ ابراهیم‌پور، محمدسعید، «بررسی نوآوری قانون مجازات اسلامی در سببیت در قتل»، مشهد، دومین کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق، وکالت و علوم اجتماعی در افق ۱۴۰۴، ۱۳۹۹.
- یزدانیان، علیرضا، حقوق مدنی(قواعد عمومی مسئولیت مدنی)، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- عربی**
- المرآغی الحسینی، میر عبدالفتاح، العناوین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷.
- نجفی، شیخ محمدحسن، جواهر الکلام فی شرائع الاسلام، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، جلد دوم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴.